

## بررسی و تحلیل خودآگاهی استعماری و قانون خواهی در اندیشه‌های اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳-۱۲۵۹ق)

رضا عبادی جامخانه<sup>۱</sup>

علی اکبر جعفری تبار<sup>۲</sup>

کاظم علیزاده مرزناکی<sup>۳</sup>

بهروز داداشی اومالی<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف محققان در این مقاله "بررسی و تحلیل خودآگاهی استعماری و قانون خواهی در اندیشه‌های اعتمادالسلطنه" بوده و روش تحقیق روش تحلیلی- تاریخی می‌باشد. مطالعات "خودآگاهی استعماری" یکی از حوزه‌های مطالعاتی جدید درباره اغلب مسائل کشورهای آسیایی و آفریقایی است. این نگرش انتقادی به مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری اشاره دارد که با تاکید بر پیامدهای استعمارگری به تحلیل گفتمان انتقادی از استعمار می‌پردازد. این دیدگاه تلاش می‌کند قدرتی را که از طریق کشورگشایی بنا شده، نامشروع جلوه دهد. در دیدگاه خودآگاهی استعماری مردم بومی درگیر مبارزه علیه باورها، ارزش‌ها، عادات و سنت‌های فرهنگ تازه واردی می‌شوند که با فرهنگ خودشان ادغام شده و چه بسا آن را به چالش کشیده است.

در تحلیل و نتایج این تحقیق می‌توان گفت برجسته‌ترین مؤلفه‌ها و زمینه‌ها در پیدایش اندیشه خودآگاهی استعماری در اعتمادالسلطنه تحت تاثیر سه جریان بوده است که عبارتند از: ۱- تاثیر اقامت در فرانسه ۲- تاثیر روابط سیاسی اعتمادالسلطنه با رجال معاصرش ۳- فعالیت شخصی و گروهی اعتمادالسلطنه در نگارش رساله‌ها و مقالات با اهداف اندیشه خودآگاهی استعماری و بومی سازی علوم و عمران و آبادانی ایران.

**کلید واژگان:** قانون خواهی، خودآگاهی استعماری، اندیشه‌های اعتمادالسلطنه

۱. دبیر آموزش و پرورش نکا- دانش آموخته دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی- دانشگاه آزاد اسلامی- واحد بین الملل کیش

۳. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی- دانشگاه آزاد اسلامی- واحد ساری

۴. کارشناسی ارشد دبیر آموزش و پرورش نکا

## مقدمه

یکی از بحث های فلسفه ذهن که در حال حاضر بحث روز آن به شمار می‌رود، مسئله خودآگاهی<sup>۱</sup> یا ماهیت ذهن است. این که خودآگاهی (ماهیت ذهن) قرن هاست که مورد توجه اندیشمندان عالم بوده‌است، اما نخبگان علم امروزی هنوز از ارائه یک تعریف واحد و منسجم و حتی قابل قبول برای یکدیگر عاجزند. خودآگاهی به معنی آگاهی<sup>۲</sup> خویشتن آگاهی<sup>۳</sup> و هوشیاری می‌باشد.<sup>۴</sup>

مطالعات "خودآگاهی استعماری"<sup>۵</sup> یکی از حوزه‌های مطالعاتی جدید درباره اغلب مسائل کشورهای آسیایی و آفریقایی است. این نگرش انتقادی به مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری اشاره دارد که با تاکید بر پیامدهای استعمارگری به تحلیل گفتمان انتقادی از استعمار می‌پردازد. دیدگاه خودآگاهی استعماری به مثابه چالشی علیه چنین میراثی ظهور می‌کند. این دیدگاه تلاش می‌کند قدرتی را که از طریق کشورگشایی بنا شده، نامشروع جلوه دهد. در دیدگاه خودآگاهی استعماری مردم بومی درگیر مبارزه علیه باورها، ارزش‌ها، عادات و سنت‌های فرهنگ تازه واردی می‌شوند که با فرهنگ خودشان ادغام شده و چه بسا آن را به چالش کشیده است. شرایط خودآگاهی استعماری شرایطی است که در آن مردم مستعمره آرزوی استقلال مجدد و رهایی از دست کسانی را می‌کنند که آن‌ها را «استعمار» کرده‌اند.

به عبارتی خودآگاهی استعماری بومی‌سازی صنعت و علوم (با پیشگامی امیرکبیر) است تا از این طریق کشورهای تحت استعمارگری بتوانند با ایجاد اصلاحات در زمینه سیاست و کشاورزی و حقوق اجتماعی مردم در برابر کشورهای استعمارگر بایستند. از طرفی مطالعات در زمینه خودآگاهی استعماری یکی از حوزه‌های مطالعاتی جدید درباره مسائل کشورهای غیر غربی و فرهنگ آن‌هاست. این نگرش انتقادی در تعریفی اجمالی به مجموعه‌ای از رهیافت‌های نظری اشاره دارد که با تأکید بر پیامدهای استعمارگران به تحلیل گفتمان انتقادی از استعمار می‌پردازد. از جهتی نقد خودآگاهی استعماری در پی فهم موقعیت کنونی از طریق بازاندیشی، واکاوی و تحلیل انتقادی کشور استعمارگر است. از طرفی دیگر از جمله تأکیدات مطالعات خودآگاهی استعماری، تأکید بر علم بومی در برابر علم استعماری است که به مثابه ابزار مهمی در جهت سیاستهای استعماری در طول تاریخ استعمارگری به حساب می‌آمده است. (موسوی و درودی، اول مرداد ۱۳۹۴) حال با توجه به این

- 
1. Consciousness
  2. Awareness
  3. Self-Awareness
  4. Sobriety, Astuteness, Alertness
  5. Colonialism consciousness

مقدمه کوتاه در باب مطالعات خودآگاهی استعماری در اندیشه‌های اعتمادالسلطنه، اهداف پژوهشی ما در این مقاله عبارتند از: ۱- تاثیر اقامت درفرانسه بر اندیشه خود آگاهی استعماری اعتمادالسلطنه ۲- تاثیر اندیشه خود آگاهی استعماری بر مناسبات و روابط سیاسی اعتمادالسلطنه با رجال معاصر ۳- خودآگاهی استعماری و بومی سازی علوم توسط اعتمادالسلطنه با نگرارش رساله‌ها و مقالات متعدد جغرافیایی، سیاسی، تاریخی و اقتصادی.

## اهداف و روش پژوهش و ابزار گرد آوری داده‌ها

روش تحقیق در این مقاله روش تحلیلی- تاریخی می‌باشد. با توجه به موضوع پژوهش و به منظور توصیف کیفی محتوای مفاهیم و تجزیه و تحلیل و توصیف داده ها و طبقه بندی اطلاعات که در حیطه تاریخ معاصر ایران می باشد، این روش تحقیق شیوه‌ای مناسب و علمی در این پژوهش به نظر می‌رسد. استخراج اطلاعات و داده ها از منابع شامل: کتب، رسالات، پژوهش ها، مقالات و روزنامه- های دوره قاجار به ویژه آثار اعتمادالسلطنه می باشد.

## اهداف پژوهش

- تاثیر اقامت در فرانسه بر اندیشه خود آگاهی استعماری و قانون خواهی اعتمادالسلطنه.
- تاثیر اندیشه خود آگاهی استعماری و قانون خواهی بر مناسبات روابط سیاسی اعتمادالسلطنه با رجال معاصر.
- اعتمادالسلطنه و نگرارش رساله‌ها و مقالات با اهداف اندیشه خودآگاهی استعماری، قانون خواهی و بومی سازی علوم.

## اندیشه قانون خواهی

اندیشه قانون خواهی، شاید یکی از اصلی ترین جریان های فکری ایران در تاریخ معاصر است. توجه ایرانیان به این مهم، بین دوره اول و دوم جنگ های ایران و روس آغاز شد و سامان اندیشه و سیاست ایرانی را درهم ریخت. شاهزاده عباس میرزا ولیعهد پادشاه قاجار، در پی شکست سپاهش از روسیه، به فراست دریافته بود که مساله، چیزی فراتر از صرف عوامل نظامی است، اگرچه نگاه او بیش از همه به ارتش بود اما دامنه اندیشه اش بیش از چیزی بود که بتوان آن را به ارتش و دستگاه نظام محدود کرد.

از آن روزگار ایرانیان روشن بین، دریافته بودند که با تکیه صرف بر وضعیت تمدنی و نیروهای سیاسی و فکری شان، نمی توانند موجودیتی داشته باشند و به دنبال راهی برای خروج از وضعیت نابسامان خویش بودند. ایرانیان، درک جدیدی از وضعیت خود را نه بر مبنای اندیشه ای منسجم که از دل برخورد ناگهانی شان با غرب به دست آوردند و بیش از همه در این موقعیت، «خود» را در «دیگری» غرب دیدند و مقایسه کردند و در آن آینه، خویشتن را نگرستند، نگرشی بی سابقه و تا

حد بسیاری سرنوشت ساز. از آن رو که مدار تاریخ جدید ایران زمین، در این نگرش جدید ایجاد شده بود. گروهی از ایرانیان آن روزگار، مانند سفرنامه نویسان و بعدها منورالفکران و روشنفکران و متجددین، به این نکته مهم پی برده بودند که بدون توجه به جهان جدید، زندگی بسامان نخواهد بود. سفرنامه نویسان که به تعبیری «متفکران قوم» شده بودند، تصویری از جهان جدید ارائه دادند که کمابیش مبنای مهمی برای درک از وضع ایران نسبت به جهان خارج از خود بود. در آن روزگار مردم ایران، آگاهی شان را از وضعیت بیرون از مرزهای خود، با افسانه آمیخته بودند، به خصوص درک ایشان از «فرنگ»، تا روزگاران طولانی، همراه با افسانه پردازی هایی بوده است.<sup>۱</sup>

### تحلیل یافته های پژوهش

تاثیر اقامت در فرانسه بر فعالیت های علمی و اندیشه خود آگاهی استعماری و قانون خواهی اعتمادالسلطنه

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه فرزند دوم حاج علی خان، در سال ۱۲۵۹ه.ق - در روزنامه خاطرات: ۱۲۵۶ه.ق - متولد شد در سال ۱۲۸۵ برای ادامه تحصیل به فرنگ رفت و در سال ۱۲۸۴ه.ق به ایران بازگشت و در سه سفر ناصرالدین شاه همراه وی بود و در سال ۱۲۸۴ه.ق لقب اعتمادالسلطنه گرفته است. در پایان در سال ۱۳۱۳ه.ق از دنیا رخت برپست. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۹).

محمدحسن خان سه سال و نیم در فرانسه اقامت داشت و در سفارت ایران در پاریس مشغول خدمت بود و یکی از نتایج مهم این اقامت در پاریس تهیه ساختار و مدل وقایع نگاری و ثبت حوادث روزانه دربار در کتاب روزنامه خاطرات بوده که تحت تاثیر مورخان فرانسوی بوده به ویژه نقش لویی سن سیمون نویسنده فرانسوی بسیار مشهور می باشد، لویی در ۲۱ فوریه ۱۶۷۵م متولد گردید و کار نویسندگی را از ۱۹ سالگی آغاز نمود. وی از این سال به نگارش خاطرات خود پرداخت و آن ها را تا سال ۱۷۵۲م ادامه داد. تا اینکه مجموعه خاطرات روزانه لویی سن سیمون در ۱۷۳ دفترچه فراهم آمد. (الهی، پاییز ۱۳۷۵ شماره ۵۶)

بنابراین شباهت هایی در روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه با روزنامه خاطرات لویی سن سیمون دیده می شود. که این شباهت ها عبارتند از: توصیف نظام استبدادی - نقل وقایع به روش روزانه و ذکر تواریخ - حاکمیت جهل و بی سوادگی در بین عامه مردم - رشد تملق گوئی و چاپلوسی - ذکر تشریفات درباری - ظلم و ستم اشراف بر مردم - تصویرسازی فقر فرهنگی و اجتماعی و مخالفت با دخالت های انگلستان در امور سیاسی و اقتصادی ایران.

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: کتاب تجدد و قانون گرایی: اندیشه میرزا یوسف خان مستشارالدوله، حامد عامری گلستانی، تهران، انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۹۴.

## فعالیت های علمی اعتمادالسلطنه در زمینه قانون خواهی

اعتمادالسلطنه شخص توانا و پرکاری بود. او به زبان فرانسه تسلط داشت و با عربی هم آشنایی پیدا کرده بود و در اواخر عمر به تکمیل آن همت گماشت (بامداد، ۳/۱۳۴۷-۳۳۵-۳۳۶). از نظر رفتار اجتماعی، فردی مؤدب بود، هرچند در بیان عقیده و انتقاد از دیگران بی پروایی نشان می داد؛ چنان که گاه در خاطرات از این گونه اشاره ها دارد و مخبرالسلطنه هدایت هم که او را دیده، از کج بینی و بدزبانی او سخن به میان آورده است. (آرین پور، ۱۳۵۵، ۱/۲۶۵) با وجود گفتار ستایش آمیز و یک جانبه خان ملک ساسانی (شم ۸۱؛ ۱۳۳۸)، کسان دیگر، اعتمادالسلطنه را شخصی ترسو، متملق و چاپلوس خوانده اند. از جمله میرزا رضا کرمانی قاتل ناصرالدین شاه وی را آدم مزوری خوانده که به دروغ خود را جزو هواخواهان سیدجمال الدین اسدآبادی معرفی کرده است. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷ش؛ و براون، ادوارد، ۱۳۳۸ش؛ ص ۹۰) اعتمادالسلطنه خود نیز گاه به ضعف های اخلاقی خویش اشاره کرده است؛ از جمله در جایی از خاطراتش اشاره می کند که برای افزایش حقوق، تملق شاه را گفته است.

برای ارزیابی و اظهار نظر قطعی درباره اعتمادالسلطنه و کارهایش باید او را با رجال دیگر آن عصر سنجد و داوری کرد. گفته اند که وی اولین کسی بود که ایجاد سانسور کتاب و مطبوعات را در ایران پیشنهاد کرد و در نامه ای به ناصرالدین شاه از ضرورت ایجاد سانسور و این که چنین دستگاهی اکنون در میان همه ملل متمدن مرسوم است سخن به میان آورد. ظاهراً ناصرالدین شاه این پیشنهاد را پذیرفت و دستور تدوین آیین نامه مربوط به آن را صادر نمود. (وحید، تهران، ۱۳۵۳ش، س ۱۴، شم ۲۰۱) خود او از جمله اولین کسانی بود که پیش از تدوین آیین نامه سانسور گرفتار آن شدند. از جمله به دستور شاه نسخه های کتاب سرگذشت خر یا منطق الحمار را که وی ترجمه کرده بود، جمع آوری نمودند. (کتیرایی، ۱۳۴۸، ۲۹۶-۲۹۸)

بررسی کلی آثار اعتمادالسلطنه نشان می دهد اکثر فعالیت هایش در زمینه علم تاریخ بوده به عبارتی یکی از اهداف و انگیزه های اعتمادالسلطنه در تاریخ نگاری و خودآگاهی استعماری افزایش آگاهی مردم و کسب تجربه در تالیف کتب تاریخی بوده و از نظری وی فواید تاریخ کسب تجربه، عبرت، فهم و خبر، علل طلوع و سقوط تمدن ها و حکومت ها می باشد. «فواید منظوره از تاریخ که عبارت از تجارب و تیقظ و به دست آوردن...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱: ۲۰۳) یا می نویسد: «عجب این که برای شاه می خوانم هیچ ملتفت نیستند» (همان: ۴۶۱)

اعتمادالسلطنه در فواید تاریخ و رابطه آن با رشد علمی و فرهنگی جامعه بیان نمود: «فواید منظوره از تاریخ که عبارت از تجارب و عبرت و تیقظ و خبر و فهم و سبب و جهت ترقی و تنزل اُمم و ملل و صعود و سقوط ممالک و دول و رسائل حصول مرام و نتایج سماجت و اقدام و آگاهی از نوادر اعصار و بدایع آثار و به دست آوردن مقالید علوم و مفاتیح آداب و رسوم و افتتاح مناهج و مسالک و احتراز از

مساوی و ممالک و هزار چیز دیگر است».(اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۸: ۲۰۳) همچنین در زمینه شیوه نگارشش می نویسد: «... عجاله الوقت برحالی که به شرف مبارک رکاب همایونی مستعد بود و در اثنای حال و ترحال با کمال استعجال به تصفح کتب و سیر و تفحص دفاتر خوض کرده محل تتبعات و خلاصه اطلاعات خود را در وضع بلده و ارباب و اصقاع آن در خلال این اوراق معدود عرضه نمود...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۱۶)

### تأثیر اندیشه خود آگاهی استعماری و قانون خواهی بر روابط سیاسی اعتمادالسلطنه با رجال معاصرش

#### روابط اعتمادالسلطنه با سیدجمال الدین اسدآبادی

در مورد روابط اعتمادالسلطنه با سیدجمال الدین باید گفت که اعتمادالسلطنه از آن جایی که با سیاست های انگلیس در ایران مخالف بود و سید هم یک شخصیت ضدانگلیسی بوده خود را همگام با سیدجمال می دید و حتی روزنامه عروه الوثقی را که محل چاپش پاریس بود به حضور ناصرالدین-شاه می برد و قرائت می نمود. اعتمادالسلطنه که طرفدار سیاست روس ها بود میل داشت سیدجمال را به ایران دعوت کند. (امین الدوله پیشین ص ۱۲۰)

عباس میرزا ملک آراء می نویسد: "محمد حسن خان ملقب به اعتمادالسلطنه پسر حاج علیخان که وزیر انطباعات است و نوشتن روزنامه ایران و تاریخ ایران به عهده او است، به حضور شاه عرض کرده بود که وجود سید جمال الدین به جهت نوشتن روزنامه و تاریخ ضروری است و به اذن شاه تلغرافی به عدن کرد حسب الامر شاه سید مذکور را به تهران دعوت نمود، سید هم آمد» (عباس میرزا ملک آراء، ۱۳۲۵، ص ۱۷۰). سید جمال که این دعوت را فرصتی برای تبلیغ و انتشار افکارش می دید دعوت را پذیرفت و به تهران آمد. امین السلطان نیز جهت جلوگیری از صمیمیت و دیدار سیدجمال با اعتمادالسلطنه، حاجی امین الضرب را مامور مهمانی و میزبانی سیدجمال در منزلش را وادار نموده بود. اعتمادالسلطنه می نویسد: "صبح خانه حاجی محمدحسین امین دارالضرب... دیدن سیدجمال الدین رفتم. این شخص از بوشهر به گفته من آمده است و خیلی مرد با علم معتبری است، دو سه زبان می داند در نوشتن عربی اول شخص است... و هرچند خواستم سیدجمال را خانه بیاورم و منزل بدهم راضی نشد". (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹، ص ۵۳۴)

#### رابطه اعتمادالسلطنه با میرزا حسین خان سپهسالار (مشیرالدوله)

میرزا حسین خان فرزند بزرگ امیر دیوان، در هنگام حکومت پدرش در اصفهان نایب او بود. وی مورد لطف و توجه امیرکبیر قرار گرفت که او را به تحصیل تشویق نمود. میرزا حسین به همراه برادرش میرزا یحیی به فرانسه رفت و زبان فرانسوی آموخت، پس از بازگشت به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. در سال ۱۲۸۸ ه. ق ناصرالدین شاه پس از سفر عتبات میرزا حسین خان مشیرالدوله را با خود به ایران آورد و وزارت عدلیه را به او واگذار کرد.

از نظر سیاست خارجی سپهسالار به انگلیسی ها نزدیک شد. انگلیسی ها از صدراعظم برای ترقی ایران استفاده کردند تا به خواسته‌های خود در تعیین حدود سیستان و بلوچستان و کسب امتیازات اقتصادی و معامله با روس ها بر سر آسیای میانه دست یابند. آنچه بیش از همه اقدامات سپهسالار موجب بدنامی وی گردید، اعطای امتیاز استخراج کلیه معادن ایران به رویتر تبعه انگلستان در ۱۲۸۹ ه.ق (۱۸۷۲ م) بود. این قرارداد به دلیل ناتوانی رویتر از اجرای مفاد آن ملغی شد اما امضای قرارداد موجب برانگیختن افکار آزادیخواهانه شد. شیوه صدراعظم در باز کردن پای اروپاییان به ایران و بردن شاه به فرنگ با مخالفت روحانیون بخصوص ملا علی کنی روبرو شد. نارضایتی شاهزادگان قاجار از عدم همراهی شاه در سفر اروپا موجب عزل سپهسالار شدوی سرانجام در سال ۱۲۹۸ ق در خراسان فوت نموده بود.

اعتمادالسلطنه هدف از نگارش کتاب خلسه را نقد و سرزنش صدراعظم‌های دوره قاجاریه به ویژه میرزااحسین خان سپهسالار و علی‌اصغرخان امین السلطان بوده است. در کتاب خلسه از زبان خود سپهسالار (مشیرالدوله) در محاکمه خیالی‌اش می نویسد: "تا عهد صدارت من ایران مانند دختر بگری بود که دست اجنبی اصلا به دامن چادر عصمت او نرسیده بود خواستم قواعد جدیدی را مجری دارم و کارها را به سبک و تربیت نوظهور تازه بپردازم عیب کارم این بود که علم و اطلاع من عمقی نداشت...ظلمی که من به ناموس و ملت ایران کردم بنی امیه بر بنی هاشم نکرد". (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷ ص ۵۳)

اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطراتش نیز هیچ گاه نقد و سرزنش و نیش قلم خود را در انتقاد از سپهسالار برنتافته و او را "دیوانه" و "مغرور" (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱) معرفی کرده و دشمنی او را با خود همواره گوشزد نموده است. او علت این دشمنی را چنین می نویسد: "اندرون پذیرفته شدم همان اطاق که پانزده سال قبل از طرف شاه مامور بودم برای ابلاغ مطلب محرمانه که هنوز هم به احدی نگفته ام و عداوت سپهسالار مرحوم با من بیشتر سر همین فقره بود. اما حالا می نویسم ایلچی فرانسه به تحریک مرحوم سپهسالار که آن وقت صدراعظم بود از وزیر خارجه به شاه شکایت نموده بود که او را معزول کند. وزارت خارجه خود میرزااحسین خان سپهسالار باشد. شاه مرا فرستاد خانه وزیر، همان کاغذ ایلچی فرانسه را که به خط فرانسه من ترجمه کردم داد بردم نشان وزیر بدهم و او را ملتفت کنم که خود را از شر میرزااحسین حفظ کند". (همان ص ۵۳۷)

علت دیگر اختلاف اعتمادالسلطنه با سپهسالار به تجاوز سپهسالار به ملک پدری وی برمی گردد که به دستور سپهسالار در آنجا مسجدی ساخته بودند. (کتیرایی، سال چهارم، شماره ۴۱ ص ۲۱).

### رابطه اعتمادالسلطنه با امین السلطان

پس از درگذشت مستوفی الممالک در سال ۱۳۰۳ ق نوبت صدارت به میرزا علی اصغرخان امین السلطان رسید. امین السلطان رابطه مناسبی با اعتمادالسلطنه نداشت. و با وجود تملق هایی که اعتمادالسلطنه به او می کرد وقتی به اعتمادالسلطنه نمی کرد.

به همین دلیل اعتمادالسلطنه روزنامه خاطراتش را پر از بدگویی ها نسبت به امین السلطان کرده است و او را "وزیر جاهل" (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹، ص ۷۹۴) و "دستور بدگوهر" (همان ص ۸۹۱) نامیده و صدمات وارده به خود را از طرف امین السلطان بالاتر از صدمات "ابن زیاد" به "امام حسین" (همان ص ۱۰۲۲) دانسته است.

اوج نفرت و نارضایتی از امین السلطان را می توان در کتاب خلسه جستجو کرد. اعتمادالسلطنه در این نوشتارش تمام عقده های درونی اش را نسبت به امین السلطان خالی کرده است، به گونه ای که در محاکمه خیالی او توسط آقامحمدخان قاجار از زبان خان قاجار می گوید:

کیست که گلشن ما را گلخن ساخت و اخلاف ما را به این روزگار انداخت و کارها را تباه ساخت و مملکت را نکبت و ثروت را عسرت و صبح را شام و صفاء خلام کرد؟ و صدایی از پشت پرده می گوید آن را که تو می جویی و می گویی آن کسی است که روی صندلی یازدهمین صدور نشسته است که امین السلطان باشد. در ادامه این محاکمه خیالی اعتمادالسلطنه از زبان آقامحمدخان می نویسد: "ای ضعیف العقل نجیف الرای، ای تندخوی بی پروا، ای سرمنشاء ندامت و سرمایه فسوس تو چه بلا بودی که به جان دولت و مملکت و جانشینان من افتادی... دودمان و خانمان مرا به باد فنا دادی...". (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ص ۶۴)

### روابط اعتمادالسلطنه با میرزا ملکم خان (قانون برای توسعه اجتماعی و مقابله با استبداد)

اعتمادالسلطنه با دیگر مردان سیاسی درباری و غیردرباری عصر خود نیز چندان روابط صمیمانه ای نداشته است.

روابط اعتمادالسلطنه با میرزاملکم خان و سید جمال الدین در چارچوب روابط این دو تن با ناصرالدین شاه قرار داشته است. بدین معنا که هرگاه روابط شاه با این دو مناسب بود اعتمادالسلطنه نیز با آن ها گرم گرفته و در آثار خود آن ها را مورد تمجید قرار می داد و هرگاه روابطشان با شاه تیره می شد وی نیز بدگویی از آن ها را شروع می کرد.

در مورد ملکم خان نوشته است: "خلاصه این که این معلم و مرشد من قدری دیوانه است. خودخواهی را به ملت پرستی ترجیح داده است". (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳) و یا در زمانی که ملکم خان از وزیر مختاری ایران در انگلیس عزل شد و امین السلطان از این بابت به اعتمادالسلطنه تعزیت گفت، او در خاطراتش این گونه به امین السلطان پاسخ می دهد: "اگرچه میرزاملکم خان استاد من بود و بدوا تحصیل فرانسه را پیش او آموختم لیکن مدت ها بود که من از پولتیک او اعتذار جسته بودم و



اعتنا به او نداشتیم اما از آن جایی که مرد قابلی و فاضلی است و در اطلاع و بصیرت مانند ندارد تعزیت وزیر اعظم باید به تمام ایران باشد نه به من". (همان ص ۷۷)

همچنین پیرامون و اندیشه‌های نوگرایی‌اش می‌نویسد: "ابوالقاسم خان ناصرالملک فارغ التحصیل انگلیس کتابچه خلاصه تحقیقات ملکم را که در حقیقت برنامه ریزی توسعه است و در باب رواج مال التجاره و تکمیل صناعت و ترقی صناعت می‌نویسد که شاه را خوش می‌آید و وزیران را برای خواندن آن احضار می‌کند". (همان، ص ۳۲) اعتمادالسلطنه در رساله خلسه (خوابنامه) میرزاملکم خان منورالفکر معروف صاحب روزنامه قانون را در زمره "سفهاء و بله‌اء" معرفی می‌کند او را "احمق" و "منفعت‌طلب" و "حقه باز و نادان" می‌شمرد که جز "شارلاتانی و ادعا" هیچ نداشته است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، صص ۹-۱۸-۴۸)

از این گونه نوشتار اعتمادالسلطنه می‌توان گفت: وی فردی محتاط و دورو و ترسو بوده و همیشه شرایط زمانه را بر اساس سلیقه و میل ناصرالدین شاه می‌سنجید. به عبارتی هر زمان ناصرالدین شاه روابطش با ملکم خان مناسب بوده اعتمادالسلطنه از در دوستی وارد می‌شد و گرنه به سرزنش و نقد اندیشه‌های ملکم خان می‌پرداخت.

نکته دیگر این که به لحاظ سیاسی ملکم خان با اعتمادالسلطنه اختلافات اساسی، پیرامون نوع حکومت جمهوری یا پادشاهی داشتند زیرا اعتمادالسلطنه طرفدار حکومت شاهنشاهی بوده و انجام هرگونه تغییرات و اصلاحات را در سایه حکومت شاهنشاهی می‌پذیرفت.

در نیمه دوم سده نوزدهم ایران شاهد گسترش اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه و تجددخواهانه، خصوصاً در حوزه سیاسی، در میان روشنفکران و نخبگان حکومتی می‌باشد. در طی تداوم چنین شرایطی بود که بسیاری از روشنفکران حکومتی از جمله مهم‌ترین آن‌ها میرزاملکم خان پی به وجود یک خلأ بزرگ در امر حکومت‌داری در کشور کرد و آن نبود یک قانون مدون جهت محدود کردن قدرت شاه و در واقع وسعت بخشیدن به قدرت مردم و پررنگ کردن حضور آن‌ها در امر حکومت و مملکت‌داری بود. بنابراین ملکم خان با حضور در کشورهای خارجی و مطالعه آثار نویسندگان خارجی و با آگاهی از نظام سیاسی و قانونی غرب در پی ایجاد یک حکومت قانونمند و محدود شده توسط قانون در کشور بود. وی در راستای این هدف اقدام به نشر روزنامه قانون در خارج از کشور (لندن) نمود که هدف آن تشکیل یک دولت حقوقی در کشور بود. با توجه به روزنامه قانون عمده‌ترین شاخصه‌های دولت حقوقی از نظر ملکم خان که در اندیشه‌ای سیاسی اعتمادالسلطنه تاثیر بسزایی داشته، عبارتند از: قانون، شخصیت حقوقی، عناصر ملی، مشروعیت، امنیت، آزادی و تفکیک قواست.

بنابراین ایده نوسازی به عنوان ایدئولوژی اجتماعی نو در نیمه دوم سده نوزدهم در ایران نمایان گردید.

قانون از جمله متغیرهایی است که نقش محوری در ساختار دولت حقوقی دارد و در واقع به منظور

تأمین نیازهای مدنی شهروندان حول محورهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی تهیه و تدوین می‌شود.

قانون و مولفه‌های مربوط به آن از جمله کلید واژه‌هایی بوده که بین اعتمادالسلطنه با ملکم خان تفاوت وجود داشت. اعتمادالسلطنه خواهان حفظ قدرت شاه و نظام شاهنشاهی بوده توأم با حفظ این نظام، خواستار تغییرات سیاسی- اجتماعی در امور اداری و اقتصادی کشور بود اما میرزا ملکم خان در روزنامه قانون و رساله‌هایش مباحثی چون: حقوق شهروندی و طبیعی، قانون خواهی، ایجاد مجلس ملی، محدودیت قدرت شاه به وسیله حقوق، برابری در مقابل قانون را مطرح می‌نمود که سخت با اندیشه های اعتمادالسلطنه در تضاد بوده و به همین دلایل اعتمادالسلطنه رساله‌ای در مذمت ملکم خان نوشته بود.

همچنین یکی از مباحث عمده اختلاف نظر میان اعتمادالسلطنه و ملکم خان مولفه "رابطه قانون و آزادی" می‌باشد. آزادی یکی از مسائل و مباحث کاربردی در نظام‌های سیاسی و اجتماعی که زمینه‌ساز رشد، بالندگی، پیشرفت و شادابی جوامع است، این مولفه در قرن ۱۹ در کنار مباحثی چون: عدالت، حقوق شهروندی و قانون خواهی از نظر روشن‌گرانی چون ملکم خان دارای اهمیت خاصی بوده‌اند. آزادی از نظر ملکم خان دارای ابعاد ذیل بوده:

۱- آزادی فردی ۲- آزادی بیان ۳- آزادی کلام ۴- آزادی قلم ۵- آزادی مطبوعات ۶- آزادی اجتماعی ۷- آزادی اجتماعات. که اعتمادالسلطنه در رد هریک از این مولفه های آزادی خواهی در رسالاتی تدوین و چاپ نموده بود.

ملکم خان در روزنامه قانون با توجه به اوضاع اسفناک استبدادی در ایران به نقد و تبیین آزادی و قانون خواهی می‌پرداخت که همین امر موجب مخالفت علماء و دربار را منجر شده بود و اعتمادالسلطنه بنا به درخواست دربار ناصری بارها در مذمت اندیشه های ملکم خان مقالاتی را در روزنامه های ایران و اطلاع که خودش مدیریت آن‌ها را برعهده داشت منتشر نموده بود. مولفه ها و عناصر مهم قانون خواهی مورد مطرح ملکم خان در روزنامه قانون و رساله‌هایش عبارتند از:

۱- ایجاد مجلس شورای ملی ۲- برابری در مقابل قانون ۳- اجرای قانون ۳- نظارت بر اجرای قانون ۴- محدود نمودن قدرت کارگزار (شاه) ۵- نوسازی در ساختار دولت و توجه به اصل تفکیک قوا ۶- حفظ ارزش‌های ملی از قبیل: حفظ وحدت ملی، حفظ اعتبار امضای دولتی، حفظ شعایر دینی، حفظ میراث پیشینیان، حفظ زبان فارسی که هریک از موارد فوق در روزنامه قانون توسط ملکم خان و همکارانش در روزنامه قانون مورد نقد و بررسی قرار گرفته بود.

در آرا و اندیشه‌های ملکم خان مفهوم قانون دارای اهمیت خاصی بوده و تاثیر این افکار و آراء بر اندیشه‌های اعتمادالسلطنه نمودار، در زیر به برخی از موارد ذکر شده در روزنامه قانون اشاره می‌شود:

وی در اولین شماره روزنامه قانون می‌نویسد: «هیچ کس در ایران مالک هیچ چیز نیست، زیرا که قانون نیست، حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون، سرتیپ معزول می‌کنیم بدون قانون، حقوق دولت را می‌فروشیم بدون قانون، بندگان خدا را حبس می‌کنیم بدون قانون، خزانه می‌بخشیم بدون قانون، شکم پاره می‌کنیم بدون قانون.» (ملکم خان قانون، نمره یک)

ملکم خان در شرح اوضاع نابسامان اجتماعی با کاربرد واژگانی از قبیل: "دولت بی‌قانون، چاپیدن اموال رعیت، نبود حقوق ملت، تاراج خزاین ملی، انکار دولتمردان از قول و تعهد و امضایشان، و کندن چشم‌های عامه مردم" به توصیف جامعه عصر ناصری پرداخت و می‌نویسد: "آدم بشو و قانون بخواه". (ملکم خان قانون، نمره دهم)

بنابراین از نظر ملک‌خان و اعتمادالسلطنه بسیاری از معضلات ایران ناشی از بی‌قانونی است. با حکومت قانون است که می‌توان بر استبداد لگام زد و برای مردم آرامش نسبی و احساس امنیت را به ارمغان آورد. ملک‌خان در روزنامه قانون به برخی از ساختارهای حکومت قانونی از جمله: ایجاد مجالس مختلف (مجلس دربار اعظم یا مقننه، مجلس هیئت وزرا یا مجریه و مجلس ملی) و در مراحل بعدی به اجرای قانون و نظارت بر اجرای صحیح قانون اشاره می‌کند.

#### وجه اشتراک اندیشه‌های ملک‌خان و اعتمادالسلطنه در زمینه قانون خواهی

گرچه اعتمادالسلطنه باملکم خان برسرمسائلی چون محدودیت قدرت شاه و بحث قانون خواهی و آزادی اختلاف نظر وجود داشت اما به نظر می‌رسد پیرامون امور کشورداری و جهالت دربار ناصری و عامه مردم و توسعه کشور بر مبنای الگو قرار دادن پیشرفت اروپاییان و اصول و شریعت دین اسلام نقطه نظرات مشترکی داشته‌اند از این حیث اعتمادالسلطنه سخت تحت تاثیر اندیشه‌های استادش می‌باشد که در روزنامه خاطرات بارها بدان اشاره نمود.

ملکم خان در کنار نقد قدرت شاه به سرزنش وزرا و درباریان جاهل و بی‌سیاست و بی‌کفایت اشاره نمود که به نمونه‌ای از این مصادیق اشاره می‌گردد: "احمق‌ترین دولت روی زمین کدام است؟ آن است که اعتبار امضای خود را در دست وزرای جاهل بازبچه سفاهت و آلت رسوایی خود قرار بدهد" (قانون، نمره هفتم)

شبیه این گونه مطالب را اعتمادالسلطنه در آثار شخصی‌اش بارها اشاره نمود و می‌نویسد: دوشنبه ۲۹ ذی‌الحجه ۱۲۹۸ ه.ق. «...شاه به حمدالله نادان نیست که از این‌ها خوشش بیاید و مقدس نیست که عوام را دوست بدارد اما به یک درجه از اشخاص بی‌علم نادان اعتماد دارد چرا! نمی‌دانم؛ شاید بعد بنویسم و از مردمان مقدس چندان راضی نیست اما گاهی سلیقه برخلاف می‌رود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹ ص ۱۲۲) ملک‌خان در دمدمی مزاج و تغییر احوال حاکمان دربار ناصری بیان نمود: "نظام امور دنیا بسته است به رعایت آن قرارها که مردم به قول یا امضای خود بر عهده می‌گیرند. چه توقع از یک دولتی که رؤسای آن نه به حرف نه به وعده نه به تلگراف نه به قسم نه به

دستخط خود به قدر الواط بازار اعتباری باقی نگذاشته‌اند." (قانون، نمره هفتم)

"... چرا به امضای سایر دول کرورها پول می‌دهند و به امضای دولت ما یک غاز نمی‌دهند؟ به علت این که دولت ما هر روز بر امضا و بر قرارهای خود هزار تف می‌کند." (قانون، نمره دهم)

یکی دیگر از نقطه نظرات اندیشه‌های ملکم خان و اعتمادالسلطنه پیرامون "اصل مشروعیت" و کاربرد اندیشه‌های دین اسلام در امور سیاسی - اجتماعی کشور بوده است. در روزنامه قانون شاخص مشروعیت خصوصاً مشروعیت مذهبی از بیشترین میزان تکرار برخوردار است. در واقع تا دوران ظهور روزنامه قانون تنها عامل محدودکننده قدرت شاه عامل مذهب بود. چنانکه در برخی موارد روحانیون مخالفت خود را با تصمیمات شاه و درباریان در قالب اعتراضات مذهبی مطرح می‌کردند. "... اصول این قانون به قدری مطابق اصول اسلام است که می‌توان گفت سایر دول قانون اعظم خود را از اصول اسلام اخذ کرده‌اند." (قانون، نمره پنجم)

در تحلیل روابط میان اعتمادالسلطنه و ملکم خان می‌توان گفت: با ظهور اولین نسل روشنفکران مشروطه، شاهد گسترش تجدد و اندیشه‌های نوسازانه خصوصاً در حوزه سیاسی و همچنین مطرح شدن استبداد حکومتی به عنوان عامل اصلی عقب‌ماندگی‌ها اشاره نمود. ملکم خان تلاش می‌کرد تا یک پایه فکری و ایدئولوژیک به منظور ایجاد تغییرات و اصلاحات در کشور ایجاد کند. ملکم خان دستگاه پادشاهی آن روز را یکی از بزرگ‌ترین سدهای راه ایجاد قانون در کشور می‌دانست. از نظر ملکم، پذیرفتن پایه‌های حکومت قانونی یکی از ضروریات حکومت کردن است؛ خواسته اصلی روزنامه ملکم خان نیز همان است که در عنوان آن پیداست؛ یعنی قانون و منظور ملکم خان از قانون و قانون خواهی نیز همان مشروطه است. در پی این تأکیدهای مکرر بر قانون است که روزنامه قانون و شخص ملکم، ایجاد نوعی دولت حقوقی را طراحی می‌کند، لذا می‌توان گفت اصلی‌ترین پایه دولت حقوقی مورد نظر روزنامه قانون، قانون خواهی است که از این حیث تأثیرات بسیار عمیقی را براندیشه‌های اعتمادالسلطنه نهاده بود رساله‌های اعتمادالسلطنه پیرامون عمران و آبادانی و حقوق شهروندی و امور بهداشتی گویای تأثیرپذیری‌اش از اندیشه‌های استادش ملکم خان است.

نمونه‌ای از توصیف اوضاع اجتماعی - سیاسی ایران در روزنامه قانون که شبیه آن در روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه بارها در این رساله اشاره شد: "... ولایات همه ویران، رعیت همه فراری، لشکر آلت رذالت، مدارس همه خراب، سادات ما مردود، همه در میدان فضاخت، نه اختیار مال نه اطمینان جان نه مجال حرف نه امکان حرکت." (قانون، نمره نهم) "... به حکم هر قانون شرعی و عقلی بر ذمه علمای دین واجب است که بلا تأخیر یک مجلس شورای کبرای ملی ترتیب بدهند و موافق اصول شرع مقدس حقوق ملت و شرایط بقای دولت را آن طوری که باید مقرر و مستحکم بسازند." (قانون،

### رابطه اعتمادالسلطنه با محمدحسین خان (دُکاءالملک اول)

یکی از همکاران و فعالان سیاسی و علمی اعتمادالسلطنه به ویژه در تالیف مرآت البلدان، مجموعه سالنامه‌ها، انتشار روزنامه، ترجمه کتب، نشر اندیشه‌های قانون‌خواهی و آزادی و تربیت سیاسی مردم در فرایند گفتمان‌های نوین افکارش با اعتمادالسلطنه همانندی وجود داشت و نام وی در روزنامه خاطرات درج شده، محمدحسین خان فروغی (زاده ربیع‌الاول ۱۲۵۵ هجری قمری دراصفهان - درگذشته ۱۰ رمضان ۱۳۲۵ هجری قمری) پدر محمدعلی فروغی، می‌باشد. لقب فروغی را ناصرالدین‌شاه قاجار به او داد.

او به مانند ملکم‌خان دوست سیاسی‌اش، ادیب و سیاست‌مدار نامدار، منورالفکر، روزنامه نگار و نواندیش دینی است. محمدحسین فروغی استاد ادبیات فارسی مدرسه علوم سیاسی تهران و مؤسس روزنامه تربیت، اولین روزنامه غیردولتی ایران، بود. (مجله یغما، شماره ۱۴۲، ۱۳۳۹ ه. ش، ص ۶۵-۶۶) جلال همایی درباره شرح زندگی این خاندان مطالبی نوشته و تأکید کرده است آقا مهدی مردی متدین بود، اما به عقاید خرافی و شهرت‌های عامیانه نمی‌گروید و امری را بدون تحقیق باور نمی‌داشت. (همان، ص ۶۵-۶۶)

محمدحسین فروغی و اعتمادالسلطنه در دو محور در ترویج گفتمان‌های نوین و خود آگاهی استعماری بسیار فعال بودند فروغی در باب نظریه پردازی پیرامون "قانون خواهی و آزادی و حقوق شهروندی در لوای خردگرایی و افکار فلسفی و نفی خرافات و احساسات" تلاش می نمود. و اعتمادالسلطنه با توجه به مشاغل دولتی که داشت در عملیاتی نمودن اندیشه‌های نوسازی قوانین متعددی در رسالات و مقالاتش نوشته بود.

این دو دانشمند جهت انتشار خودآگاهی استعماری و افکار نواندیشی‌شان از روش‌های مختلفی استفاده می‌کردند. فروغی مجبور بود برای رسیدن به مقصود یعنی آگاه کردن دانش آموزان دارالفنون به علوم سیاسی، فلسفه و تاریخ را طوری تدریس کند که با نتیجه‌گیری از عقاید فلاسفه و مورخین، محصلین به نظریات سیاسی مختلف آگاه شوند. محمدحسین فروغی ضمن تدریس تاریخ عمومی جهان و ادبیات دنیا به ویژه اروپا و عقاید فلسفی فلاسفه از یونان باستان تا عصر برگسون، به طور ضمنی و غیرمستقیم علوم سیاسی را در قالب مسائل فلسفی و تاریخی به دانش آموزان دارالفنون می‌آموخت.

میرزا جهانگیرخان شیرازی (صوراسرافیل) در زمینه مهارت ارائه مطالب سیاسی محمدحسین فروغی و بیان عقاید آزادمنشانه او چنین می‌گوید: تربیت، اول روزنامه آزادی است که در داخل ایران

خصوصاً در پایتخت به چاپ رسیده است. فروغی از پیشگامان روشنفکری و خردگرایی با هدف پیاده کردن مشروطیت و قانون اساسی بود. (روزنامه صوراسرافیل، ش، ۱۵ چهارشنبه ۲۹ رمضان ۱۳۲۵)

### اعتمادالسلطنه و نگارش رساله ها و مقالات با اهداف اندیشه خودآگاهی استعماری و بومی سازی علوم

از مهم ترین روش های کار منتقدان منورالفکران از قبیل: اعتمادالسلطنه، ملکم خان و سید جمال در عصر ناصری، به چالش گرفتن تداوم قدرت سنتی دربار و پادشاه و بی توجهی به قانون و عمران و آبادانی ایران و به ویژه نفوذ و دخالت روس و انگلیس در امور سیاسی و اقتصادی ایران بوده است. خود آگاهی استعماری به بررسی نظریه و نقد عقب ماندگی ایران و شیوه نفوذ روس و انگلیس در کشور ما می پردازد، نقدی که بر آن است تا راه های متنوعی را که قدرت استعماری برای اعمال فشار و تحکم در پیش می گیرد فاش کند؛ فشارهایی که نه فقط از طریق ستم مستقیم نژادی، اخذ امتیازات متعدد تجاری و سیاسی در نظام خودکامه استعماری، شکل می گرفت. در عصر ناصری همزمان با امواج بیداری اسلامی و بومی سازی علوم، یک سری جریانات مؤثری در غرب شکل گرفت که تصوراتی را که پیش تر درباره مردم «تابع» (غیرغربی) وجود داشت به چالش می کشید. این جریانات شامل طیف گسترده ای از اندیشه ها و آثار و نگرش هایی بود که دیگر نمی خواستند چونان گذشته تاریخ، فرهنگ و تمدن را در امپراتوری های بزرگ غربی، گفتمان های علمی و تفکر مدرن خلاصه کنند (موسوی و درودی، اول مرداد ۱۳۹۴) با توجه به مباحث مطرح شده در رابطه با نقش اندیشه رجال سیاسی بر اندیشه خودآگاهی استعماری، اعتمادالسلطنه تلاش نمود در چارچوب فعالیت های علمی به ویژه با نگارش رساله ها و مقالات متعدد از جمله رساله های "انحصاری توتون و تنباکو و رساله رسوایی لندن" به مقابله با اهداف سیاسی و اقتصادی انگلیس در ایران برود. در واقع اعتمادالسلطنه با این اندیشه علمی که ساختارشکنی و واسازی از علم اروپا-محوری فرانسوی بوده، با تکیه بر مطالعات خودآگاهی استعماری به منزله یکی از زمینه های تئوریک علم ایرانی-اسلامی به نقد و سرزنش و نشر غارتگری های انگلیس در ایران و آسیای مرکزی پرداخت.

### اعتمادالسلطنه و طرح مباحث حقوقی در رساله "انحصاری توتون و تنباکو"

رساله "انحصاری توتون و تنباکو" در جمادی الاخر سال ۱۳۰۳ق توسط اعتمادالسلطنه جهت کسب درآمد دربار ناصری و مقابله با اخذ امتیازات بیگانگان در ایران نوشته شد. "اعتمادالسلطنه به دستیاری شیخ مهدی شمس العلماء قزوینی و عارف افندی عثمانی مترجم رسمی دولت ایران و دو سه نفر دیگر رساله ای در باب انحصار دخانیات ایران و مقررات مربوط به آن نوشتند و مقاله ای محققانه تحت عنوان "کلید استطاعت" راجع به فواید این کار و سوابق تاریخی پیدایش توتون و تنباکو به آن افزودند. امین الدوله نیز در خاطرات خود در این مورد می نویسد: "محمد حسن خان

اعتمادالسلطنه مجموعه ای از مرسولات معموله هر دولت و مملکت بر تنباکو و دخانیات ترجمه و چاپ نموده چندین نسخه به حضور شاه آورد که به وزرا و ارکان شوری تقسیم شود... اعتمادالسلطنه (دراین رابطه) مورد تحسین ملوکانه و مخلص شد و گویا به سمت مستشاری در دایره امین السلطنه راه یافت". (امین الدوله، ۱۳۴۱، ص ۱۱۳)

خود اعتمادالسلطنه نوشتن این کتابچه را به امر شاه می‌داند و می‌نویسد: "به فرمایش شاه در احصار تنباکو به دولت که الحال در تمام دنیا معمول است و کرورها مدخل می‌کند برای شاه کتابچه ای نوشتیم". (روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه ص ۴۶۱) هدف اعتمادالسلطنه از نوشتن این کتابچه یافتن راهی برای افزایش درآمد شاه بوده است و در این رابطه می‌نویسد: "کتابچه انحصار توتون و تنباکو را که چندی است با زحمت زیاد نوشتیم و هفت کرور به مالیات علاوه نمود به شاه تقدیم کردم و عرض کردم هفت کرور خدمت خانه زاد است پیشکش به دولت". (همان ص ۴۷۸)

این رساله اعتمادالسلطنه مورد توجه دربار ناصری واقع نشد تا این که در جریان سفر سوم ناصرالدین شاه به فرنگ در سال ۱۳۰۶ ق امتیاز توتون و تنباکو به تالبوت انگلیسی از مشاورین و نزدیکان لرد سالیسبوری نخست وزیر انگلستان واگذار شد. انگلیسی‌ها و تاجرانشان در این سفر به قصد دریافت امتیازات سودآور، در پذیرایی از شاه و همراهان او از جمله امین السلطان و اعتمادالسلطنه سنگ تمام گذاشتند. تالبوت در این سفر شاه به انگلیس اطلاعاتی در زمینه توتون و تنباکوی ایران از اعتمادالسلطنه کسب نمود و با همکاری امین السلطان موافقت شاه را نسبت به کسب امتیاز توتون و تنباکو و صدور دخانیات ایران جلب کرد. از طرفی ملکه ویکتوریا برای جلب نظر همراهان شاه از جمله امین السلطان و اعتمادالسلطنه به هر کدام نشان‌ها و هدایایی اهدا کرد و مقدمات کار جهت اخذ امتیازات اقتصادی آماده گردید. ( تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۹) پس از بازگشت ناصرالدین شاه و همراهان به ایران، تالبوت جهت تأسیس شرکت (کمپانی رژی) برای انحصار امتیاز توتون و تنباکو به تهران آمد. امین السلطان صدراعظم به شاه اظهار داشت که بابت امضای قرارداد بیست و پنج هزار لیره پاداش خواهد گرفت و نیز هر سال پانزده هزار لیره هم عایدش خواهد شد، در این زمینه امین السلطان و کامران میرزا نایب‌السلطنه رشوه‌های کلانی دریافت نموده بودند.

بنابر این در ۲۸ رجب سال ۱۳۰۸ هـ. ق. امتیاز توتون و تنباکوی ایران به مدت ۵۰ سال در اختیار تالبوت و شرکای او قرار گرفت. برطبق این قرارداد: "اجازه نامچه‌ای برای فروش و معامله و غیره توتون و تنباکو و سیگار ... حق خالص صاحبان این امتیاز است و احدی جز صاحبان این امتیازنامه حق صدور اجازه‌نامه‌جات مزبور را ندارند. در آن زمان معیشت بسیاری از مردم از طریق فروش توتون و تنباکو تأمین می‌شد و زارع و تاجر هیچ نوع اختیاری در تولید و فروش این محصول نداشتند. رفته

رفته موج اعتراضات در نقاط مختلف ایران خصوصاً شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، تبریز آغاز شد. (آبادیان، ۱۳۷۶)

این امتیاز دارای شرایط و بندهایی بود که تمامی بندهایش به نفع طرف انگلیسی تنظیم شده بود (تیموری، ۱۳۳۲) به هیچ وجه با کتابچه اعتمادالسلطنه همخوانی نداشت به هرحال با شروع کار کمپانی موج مخالفت مردم با این قرارداد آغاز شد. اعتمادالسلطنه سیراین مخالفت ها را در روزنامه خاطراتش نوشت. هنگامی که کار اعتراض بالا گرفته بود توسط امین الدوله "عریضه‌ای" به شاه نوشته و اعلام کردند که کمپانی تنباکو به ما ضرر وارد می کند و ما مجبوریم زیر بیرق روس بست بنشینیم. ناصرالدین شاه از وزرای خود از جمله اعتمادالسلطنه خواست بروند و نظری به صورت امتیازنامه انداخته و نتیجه ای بگیرند. او می نویسد: "پارسال که این امتیاز تنباکو داده شد اعتمادالسلطنه نبود حالا بروید با هم بنشینید صورت امتیازنامه را دوباره بخوانید". (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹، ص ۸۴۱)

در مجلس بررسی "امتیازنامه توتون و تنباکو" بخاطر ترس از امین السلطان کسی جرات اعتراض و نقد نداشت اما در حضور ناصرالدین شاه اعتمادالسلطنه با صراحت مخالفت خود را با لغو این امتیازنامه اعلام کرد و در این مورد نوشت: "من به شاه عرض کردم سلطنت مستقله همین که از یک راه و مسئله حرف رعیت را شنید دیگر نمی تواند جلو بگیرد. اگر این امتیاز نامه سراپا غلط بود چون به امضای همایون رسیده و به مهر وزراء چه می توان گفت...". (همان ص ۸۴۱). اعتمادالسلطنه بعد از این جلسه قرار شد کتابچه‌ای در این رابطه بنویسد و چاپ نماید. به رغم این گونه تلاش های دربار و دولت برای کاستن اعتراضات مردم، موج مخالفت ها در تهران و تبریز رو به فزونی گذاشت. اعتمادالسلطنه که دست روس ها را در شورش و بلوای تبریز شریک می دانست به شاه گفت: "...شاید مقدمه تبریز را درست به شما عرض نمی کنند. این فتنه از روس است و معاندین شخص امین السلطان". (همان ص ۸۴۱) ناصرالدین شاه برای خاموشی شورش تبریز دست به فعالیت های متعددی زده بود تا این که اعتمادالسلطنه برای دفع فتنه تبریز به شاه پیشنهاد نمود: "...از سه کار یکی را باید بکنید: یا قشون برود و به زور اسلحه اهالی تبریز را مطیع یا آذربایجان را از عمل تنباکو مستثنی کند... و الا تبریزی ها اگر دست خارجی نبود کجا عقلشان می رسید سگ را به گردنش طناب ببندند و کاغذی به گردن سگ آویزان کنند که فرستاده شاه امین حضوراست". (همان ص ۸۷۷) اعتمادالسلطنه علاوه بر شخص شاه کارگزاران دولت را نیز در پیدایش مسئله امتیاز تنباکو سهیم می داند و می نویسد: "تمام این خبط به واسطه غرور کارگزاران دولت است. زحمتی که شاه در ظرف سلطنت خودشان کشیده بودند که اقتدار ملاها را کم کند جهل و جهالت کارگزاران حالیه دولت اسبابی فراهم آورد که این اقتدار طوری بروز کرده است که از صدر اسلام تاکنون در مملکت شیعه این طور ایستادگی از علما نشده بود". (همان ص ۸۹۳)



نهایت این که با فتوای میرزای شیرازی و مبارزات همه جانبه مردم سرانجام باعث شد که ناصرالدین شاه طی اعلامی رسمی ابطال آن را اعلام کند. میرزای شیرازی نیز به دنبال آن فتوای رفع حرمت استعمال توتون و تنباکو را صادر می‌کند. اعتمادالسلطنه این گونه او را مورد ستایش قرار می‌دهد: "آفرین بر قلم جناب میرزا که بیشتر از سرنیزه دولت اثر دارد". (همان ص ۹۰۵) پس از ابطال امتیازنامه تنباکو و به دنبال مذاکرات طولانی بین ایران و انگلیس سرانجام قرار بر این نهاده شد که دولت ایران مبلغ ۵۰۰ هزار لیره به کمپانی مذکور بپردازد. اما دولت ایران پولی نداشت و تنها راه چاره را درگرفتن وام دید. اعتمادالسلطنه برای حل این مشکل پیشنهاد داد: "یک مطلبی در خصوص تنباکو نوشتم و محل خسارت را هم از خود تنباکو قرار دادم که به یک من تنباکو پنج شاهی گمرک بسته شود. از این گمرک در عرض بیست سال هم خسارت داده می‌شود و هم سالی پنجاه شصت هزار تومان عاید خزانه می‌شود". (همان ص ۶۰۷) از این پیشنهاد اعتمادالسلطنه استقبالی نشد و سپس بنا به نظر اعتمادالسلطنه دولت ایران درخواست وام از کشورهای فرانسه و روس را نموده بود که بنا به دلایلی این وام‌ها گرفته نشد. (متولی حقیقی ۱۳۸۱، ص ۵۸)، در نهایت کشور انگلیس جهت جبران خسارت امتیازنامه تنباکو (تالبوت) تصمیم گرفت وام مورد نظر را به ایران بدهد.

### اعتمادالسلطنه و کتابچه "رسوائی لندن"

در ادامه مبحث نظریه خودآگاهی استعماری (مبارزه با انگلیس)، اعتمادالسلطنه در کتابچه "رسوائی لندن" که تحت تاثیر جو ضدانگلیسی فرانسوی‌ها و با هدف دلسرد نمودن ناصرالدین شاه از سیاست انگلیسی‌ها در طی ۲۳ فصل نوشته و سپس در روزنامه اطلاع چاپ نموده که منجر به واکنش و عکس العمل سفیر انگلیس در تهران شده بود. رسوائی لندن یا کشف رذایل مردم انگلیس: این ترجمه در ۲۳ فصل تنظیم شده و در سال ۱۳۰۲ ق انجام گرفت اما به دلایل نامعلومی و جهت جلوگیری از رنجش انگلیسی‌ها تا سال ۱۳۴۵ ش به چاپ نرسید و تنها در سال ۱۳۴۵ ش حسین خدیو جم در شماره‌هایی از مجله نگین ۱۸ فصل آن به چاپ می‌رسد. محتوای کتاب عادات و اعمال قبیح و افعال شنیع انگلیسی‌ها بوده که در روزگار پادشاهی ملکه ویکتوریا در روزنامه پالمال گازت لندن چاپ شده بود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۲ ق)

اعتمادالسلطنه علت چاپ این کتابچه را برای ناصرالدین شاه این گونه می‌نویسد: "این عریضه به جهت این بود که شاه را ملتفت کنم که انگلیسی‌ها با من عداوت دارند به واسطه عدم مراوده که با آن‌ها دارم و خبرچی آن‌ها نیستم و رجال دولت شما هم با من خصوصیت ندارد احتمال دارد که روزنامه اطلاع را متزلزل کنند". مخالفت اعتمادالسلطنه با انگلیسی‌ها به حدی بود که در ایران هرگونه امتیازاتی که به دولت انگلیس داده می‌شد به دلایل متعددی موانعی ایجاد می‌کرد و در این راستا و جهت بر ملا کردن سیاست انگلیسی‌ها در شرق کتابی تحت عنوان "پولتیک حالیه روس و انگلیس در آسیا" نوشت و آن را به ناصرالدین شاه تقدیم نمود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹، ص ۳۸۱) با

این اوصاف سیاست ضد انگلیسی اعتمادالسلطنه نسبت به روس‌ها روابط دوستانه‌ای داشت و امین السلطان از رفت و آمد او با روس‌ها نگران بود و طی نامه‌ای از شاه خواست که از "اعتمادالسلطنه و اتباعش احتراز احتیاط شود که خبرها را به سفارت روس می‌رساند". (صفائی، ۱۳۴۶، ص ۲۳۶)

### دفاع از حقوق ایران در رساله کلید استطاعت در ایران

تالیف این کتابچه را که بی ارتباط با یکی از مهم‌ترین قیام‌های ملی ایران - قیام تنباکو - در روزگار ناصری نبود، به وی نسبت داده‌اند. رساله در سال ۱۳۰۳ ق در باب انحصار دخانیات ایران و مقررات مربوط به آن بوده و راجع به سوابق توتون و تنباکو و مالیات از رعایا می‌باشد. اعتمادالسلطنه در مقدمه رساله کلید استطاعت می‌نویسد: "...بدیهی و مسلم است که آبادی ممالک و حصول مقاصد و انجام هرگونه مرام، منوط و معلق به وجود وجوه و نقود می‌باشد. ساختن ابنیه عالییه، بنای مدارس علمی و نظامی، راه آهن، کشیدن سیم تلگراف، نظافت شهرها، دایرداشتن دوایر حفظ صحت، نظم ادارات دولت، جلوه و شکوه کشور و لشکر و آثاری که مترتب می‌شود. باید راه استطاعت را به دست آورد و طریق تمکن بذل مخارج را پیدا کرد. شک نیست که استطاعت و تمکن دولت به مالیاتی است که از رعیت می‌گیرد اما دو ملاحظه لابد در این کار هست: اول: آن که این معامله از روی حسن انصاف باشد، تا امنای دولت به ظلم و تعدی متهم نگردند. دوم: آن که رعایا در زیر بار گران درنمانند بنابراین جایی است که باید بذل نمود، و موقعی است که باید اخذ کرد...". این رساله از معدود رسالات اعتمادالسلطنه می‌باشد که در آن به آبادانی کشور، بنای مدارس، احداث راه‌آهن، نظافت شهرها و امور بهداشتی و نحوه اخذ مالیات اشاره نمود. مقدمه رساله چنین آمده: "...بدیهی و مسلم است که آبادی ممالک و حصول مقاصد و انجام هرگونه مرام، منوط و معلق به وجود وجوه و نقود می‌باشد. (محدث، ۱۳۹۱، صص ۲۹۱-۳۵۸) از ویژگی بارز این رساله شیوه مالیات‌گیری کشورهای غربی و سیستم اداری نوین این کشورها و مقایسه آن با نظام سنتی ایران می‌باشد. این رساله بعد از چاپ به ناصرالدین شاه نشان داده می‌شود ولی مورد توجه شاه قرار نمی‌گیرد.

### لایحه تشکیل دارالتنزیل

رساله حاضر از جمله لوایحی است که محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه برای درآمدزایی دولت نوشته است و صراحتاً قید می‌کند که امیدوار است «که کتابچی ارمنی و امثال آن این لایحه را با گفتن این عبارت سخیف که ترجمه است لغو و بی مایه نسازند». ظاهراً هر لایحه و رساله و کتابچه‌ای که اعتمادالسلطنه به قول خود از سر دولتخواهی تألیف یا از روی قوانین اروپایی ترجمه می‌کرده است گروهی از جمله آنتوان کتابچی ارمنی آن را چون ترجمه‌ای است از قوانین دولت‌های دیگر از درجه اعتبار ساقط و غیر عملی قلمداد می‌کرده‌اند. (اعتمادالسلطنه، پاییز ۱۳۹۰، صص ۲۰۴-۲۱۴) اعتمادالسلطنه برای آن که لایحه تشکیل دارالتنزیل به مانند «قانون انحصار اداره توتون و تنباکو» دچار نشود، صراحتاً از لوایح و قوانین تألیفی یا ترجمه خود به دفاع می‌پردازد و عملاً مقدمه رساله خود را

بدین امر اختصاص می‌دهد و در جایی می‌نویسد: «بنابراین ترجمه خانه‌زاد و به ضد قول کتابچی عین مصلحت و خدمت به دولت بود و اگر همان ترجمه مجری می‌شد، یقیناً دولت در اندک مدت بدون مخمصه کرورها فایده می‌برد» که مرادش کتابچه قانون انحصار توتون و تنباکو است.

اما اعتمادالسلطنه برای به اجرا درآوردن لوایح خود تنها با مخالفت امثال آنتوان کتابچی مواجه نبود، بلکه علما و روحانیون و گروهی از رجال دولتی هم با این لوایح به عناد و دشمنی برخاسته و آن‌ها را یکسره بدعت قلمداد کرده و با مجری داشتن قوانین بدعتی به مخالفت پرداختند و از این رو اکثر لوایح و یا قوانین تألیفی و ترجمه‌ای اعتمادالسلطنه به مرحله عمل در نمی‌آید. آن طوری که از محتوای رساله حاضر برمی‌آید اعتمادالسلطنه افزون بر کتابچه انحصار توتون و تنباکو، و رساله حاضر یعنی لایحه دارالتنزیل، رساله‌ای هم درباره تمبر پستی باید تألیف یا ترجمه کرده باشد که از آن اطلاعی در دست نیست. این رساله آنچنان که افضل الملک می‌نویسد به خط خوش «جناب میرزا فروغی» است که مراد فروغی اول یعنی میرزا محمدحسین متخلص به ادیب و ملقب به فروغی (۱۲۹۱ ق) است که در ۱۳۱۱ هـ. ق ملقب به ذکاءالملک شد. (افضل الملک، ۱۳۶۱ و کراسه المعی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی شماره شناسه: ۷۱۷۵۶۷)

آغاز این رساله به مطالبی از قبیل: صرفه‌جویی در مدیریت مالی رجال دولتی، فواید عامه، رضایت قاطبه مردم و اسباب آسایش و رفاه و حفظ آبرو و ناموس اشاره می‌کند. از آن جا که بسیاری از پیشنهادات اعتمادالسلطنه مورد اقبال درباریان قرار نمی‌گرفت در پذیرش این لایحه اعتمادالسلطنه امید دارد و بیان می‌دارد: "امیدوار است که کتابچی ارمنی و امثال آن این لایحه خانه‌زاد را به گفتن این عبارت سخیف که ترجمه است لغو و بی‌مایه نسازند... از کجا ما توانیم ادعا کنیم که در فن دولتگری و (اکونومی پولتیک) یعنی در فن صرفه‌جویی از سایر ملل اعلییم. چرا که تا به حال آشنا به این خیالات نبوده‌ایم و نه اسباب آشنائی را آماده کرده بودیم... یکی از دوایر مفیده که هم برای دولت فایده دارد و هم سبب کارگشایی و آسودگی عامه مخلوق است در اغلب ممالک و در اکثر بلاد فرنگ معمول و برقرار است، دارالتنزیل است که «کُنْتُ وَاَرَدُ سِکُونَت» می‌گویند، در این دایره بروات تجارتي و اسناد بانکی و غیر تنزیل می‌شود. چون بانک در ایران هنوز ایجاد نشده بروات دیوانی دولت علیّه به منزله بانک نَت سایر دول است که به جای اسناد بانک می‌توان تصور کرد. (اعتمادالسلطنه، پاییز ۱۳۹۰، صص ۲۰۴-۲۱۴)

### تدوین حقوق و قانون تسهیل ساختن طرق وشوارع

این کتاب پس از اتمام به ناصرالدین شاه هدیه شده بود. اعتمادالسلطنه در ابتدای این کتاب پس از ذکر منافع ساختن راه‌ها برای دولت و مردم آن را از اعمال "مشروع و از فرائض" شمرده است. و پیشنهاد کرده قانونی به وجود بیاید تا عموم مردم هر منطقه مکلف شوند در هر سال چند روز مشغول ساختن راه‌های ولایت خود شوند و هرکسی که قوه کارکردن نداشته باشد پول داده و عمله

بگیرد. پس از ذکر این مقدمات اعتمادالسلطنه قانون راه سازی خود را در چهار باب آورده است و هر باب نیز دارای چندین فصل می باشد. انگیزه نوشتن این کتابچه عبارت از: "مقصود از این لایحه این است که دولت بدون دیناری خرج در مدتی قلیل می تواند طرق و شوارع مملکت را بسازد و وجهها محتاج به دادن امتیاز به کمپانی اجنبی نیست و بدون هیچ خرجی تمام معابر تسویه و تسطیح می شود فقط مخارجی که دولت می نماید مواعبی است که به مهندسین و مامورین داده می شود...". این کتاب در ۲۸ صفحه تنظیم و در سال ۱۳۰۷ق به چاپ رسید. این کتاب می تواند اندیشه های نوگرایی و ترقی خواهانه وی را ترسیم نماید و هم چنین مخالفت او را با دادن امتیاز احداث راه ها به بیگانگان نشان دهد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۷، ق، ص ۲۷)

### کاداستره

کاداستره لغتی فرانسوی و برای ممیزی املاک و تخمین حاصل و تعداد نفوس آن و ماخذ اخذ مالیات به کار می رود. این کتاب نیز هم چون کتاب "قانون تسهیل ساختن طرق و شوارع" یک نوع قانون نامه پیشنهادی اعتمادالسلطنه در ارتباط با نحوه وصول مالیات است. و در یازده باب تنظیم شده و از منابع ارزشمند دوره قاجاریه پیرامون اوضاع اجتماعی و اقتصادی برای مورخین و پژوهشگران اقتصادی می تواند باشد و او این کتاب را "برحسب فرمایش یکی از رجال و وزرای بزرگ دولت علیه ایران" از "قوانین سایر دول ترجمه و تالیف" می کند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۷، ق، کاداستره)

### نتیجه گیری

با توجه به مباحث داده های پژوهش حاضر می توان گفت: اهداف و انگیزه های - اعتمادالسلطنه (۱۲۵۹-۱۳۱۳ق) از تالیف آثار شخصی و رسمی و ترجمه های متعدد و چاپ روزنامه ها آگاهی، تلاش برای عمران و آبادانی ایران، نفی دخالت انگلستان در امور داخلی ایران، تنبه و بیداری دربار ناصری و مبارزه با جهل و نادانی بر مبنای گفتمان های نوسازی و اندیشه خود آگاهی استعماری و قانون خواهی مبتنی بر بومی سازی علوم بوده است که از این حیث آثار اعتمادالسلطنه شامل موارد زیر می باشد: ۱- آثار شخصی اعتمادالسلطنه و دست نوشته های اعتمادالسلطنه (روزنامه خاطرات ورساله خلسه) ۲- آثار رسمی اعتمادالسلطنه (تاریخ چهل ساله، تاریخ منتظم ناصری و مرآت البلدان و...) ۳- مقالات تاریخی چاپ شده اعتمادالسلطنه (قلعه نور - کلید استطاعت در ایران و...) ۴- ترجمه آثار اروپاییان ۵- آثار چاپ شده اعتمادالسلطنه با مضامین غیر تاریخی. ۶- روزنامه های چاپ اعتمادالسلطنه ۷- آثار مفقوده اعتمادالسلطنه ۸- آثار چاپ نشده اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه - در حکومت ناصرالدین شاه اندیشمندی فعال در زمینه ترجمه و طرح مولفه های نوسازی است. در میان مناصب متعدد وی، منصب «مترجمی مخصوص حضور همایون» و «ریاست دارالترجمه همایونی»، فرصت بیشتری را برای ترجمه کتاب های اروپایی و خواندن آن ها برای ناصرالدین شاه

فراهم می‌کرد. تلاش زیرکانه اعتمادالسلطنه محرم اسرار و مشاور فرهنگی ناصرالدین شاه برای تعلیم و گستردن افق سیاسی شاه، تنبه و بیداری و ترغیب وی به اعطای آزادی و حقوق شهروندی، با آشنا ساختن وی نسبت به تاریخ ادبیات اروپا، به‌روشنی به‌چشم می‌خورد. اعتمادالسلطنه که خود مبلغ بزرگ فرهنگ فرانسه بود، در طی سال‌هایی که ملازمت شاه را در سفر و حضر برعهده داشت، آثار تاریخی منتقدانه زیادی به مطالعات شاه افزود؛ از جمله دست‌کم دو اثر از ولتر و ترجمه‌ای از تاریخ امپراتوری عثمانی نوشته هامر پورگشتال، و درضمن، ترجمه کتبی مانند شاهدخت بابل نوشته ولتر و دون کیشوت اثر سروانتس (از روی ترجمه روسی آن) که به سفارش اعتمادالسلطنه صورت گرفت، نشانگر توجه مترجم‌باشی سلطنتی به محتوای انتقادی این آثار است. در تحلیل و نتایج این تحقیق می‌توان گفت برجسته‌ترین مؤلفه‌ها و زمینه‌ها در پیدایش اندیشه خودآگاهی استعماری در اعتمادالسلطنه تحت تاثیر سه جریان بوده است که عبارتند از: ۱- تاثیر اقامت در فرانسه ۲- تاثیر روابط سیاسی اعتمادالسلطنه با رجال معاصرش ۳- فعالیت شخصی و گروهی اعتمادالسلطنه در نگارش رساله‌ها و مقالات با اهداف اندیشه خودآگاهی استعماری و بومی سازی علوم و عمران و آبادانی ایران.



### منابع

- آبادیان، حسین، (۱۳۷۶)، اندیشه دینی و جنبش ضد رژیم در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- آربن پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، ۱۳۵۵ش؛
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۷)، خلسه مشهور به خوابنامه، به کوشش محمود کتیرایی، تهران: توکا.
- ..... (۱۳۹۰)، " لایحه تشکیل دارالتنزیل"؛ به کوشش و مقدمه جمشید کیانفر، پیام بهارستان، دوره دوم، سال سوم، ویژه نامه قانون و حقوق، شماره اول، پاییز ۱۳۹۰، صص ۲۰۴-۲۱۴.
- ..... (۱۳۰۷ق)، " قانون تسهیل ساختن طرق وشوارع"، تهران، دارالمطبعه، ۱۳۰۷ق، چاپ سنگی.
- ..... (۱۳۰۷ق)، " کاداستره"، تهران، دارالمطبعه، ۱۳۰۷ق، چاپ سنگی، تعداد صفحات ۱۲۰صفحه.
- ..... (۱۳۰۲ق)، رسوایی لندن، نسخه خطی شماره ۸۸۳ کتابخانه ملی ایران، تاریخ ترجمه ۱۳۰۲ق، تعداد
- ..... (بی تا)، آینه سکندری، نسخه خطی ۴۰۶۷، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- ..... (بی تا)، المآثر و الآثار، تهران: کتابخانه سنایی.
- ..... (۱۳۸۹)، روزنامه خاطرات - با مقدمه ایرج افشار -، چاپ هفتم، تهران: نشر امیرکبیر.
- ..... (۱۳۴۵)، "روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر
- ..... (۱۳۶۳)، چهل سال تاریخ ایران، دو جلدی، به کوشش ایرج افشار، تهران: نشر اساطیر.
- ..... (۱۳۶۳)، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، سه جلدی، تهران: نشر دنیای کتاب.
- ..... (۱۳۴۹)، صدر التواریخ، تصحیح محمد مشیری، تهران: انتشارات وحید.
- ..... (۱۳۶۳)، مرآت البلدان، به کوشش محمدعلی سپانلو و پرتو نوری علاء، سه جلدی، تهران: نشر اسفار.
- ..... (۱۳۷۱)، درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان، تصحیح، نعمت احمدی، تهران: نشر اطلس.

- .....(۱۲۹۸ق)، بریده ای از رساله جغرافی و تاریخ لار (نزدیک تهران) [نسخه خطی] / محمدحسن اعتمادالسلطنه تاریخ نشر: ۱۲۹۸ ق - سازمان اسناد ملی ایران شماره کتاب شناسی ملی: ۶۳۹ ف.
- .....(۱۳۹۱) ، رسائل (شامل ۲۴ رساله)، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: نشر اطلاعات.
- افضل الملک، غلامحسین،(۱۳۶۱)، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- افضل الملک، غلامحسین، "کراسه المعی" کتابخانه دیجیتالی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی شماره شناسه: ۷۱۷۵۶۷
- الهی، صدرالدین؛(۱۳۷۵)، "مقاله یک قرن در آئینه دو کتاب"، مجله ایران نامه، پاییز ۱۳۷۵ - شماره ۵۶
- امیری، مهرباب،(۱۳۴۵)، بازیگر انقلاب شرق جمال الدین افغانی، بی جا.
- امین الدوله، علی،(۱۳۴۱)، خاطرات سیاسی، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران.
- براون، ادوارد،(۱۳۳۸)، انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه، تهران.
- براون، ادوارد، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهری قزوینی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۶.
- بامداد، مهدی، تاریخ رجال ایران در قرون ۱۳ و ۱۴، ج ۵، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۵۰.
- بامداد، مهدی، تاریخ رجال ایران در قرون ۱۳ و ۱۴، ج ۶، تهران: کتابفروشی زوار ۱۳۵۱.
- تیموری، ابراهیم،(۱۳۳۲)، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، اقبال.
- تیموری، ابراهیم،(۱۳۶۱)، قرارداد ۱۹۸۰ رژی تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، تهران، کتاب های جیبی.
- توحیدی چافی، محمد، قهوه‌ی قجری، تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۷.
- جمالی اسدآبادی، ابوالحسن،(۱۳۴۹)، نامه‌های سید جمال الدین اسدآبادی، تهران، کتاب‌های پرستو.
- روزنامه صور اسرافیل، شماره ۱۱.
- صدر وانقی، سید جمال الدین اسدآبادی بنیان‌گذار نهضت‌های اسلامی، بی جا، مجله پیام، ص ۱۳۴.
- صفایی، ابراهیم،(۱۳۵۲)، اسناد سیاسی، تهران.
- عباس میرزا ملک‌آرا،(۱۳۲۵)، شرح حال و احوال عباس میرزا ملک‌آرا، نوایی، تهران، شرکت سهامی چاپ.
- قزوینی، محمد، «وفیات معاصرین» یادگار، تهران، آبان ۱۳۲۷، س ۵، شم ۳؛ ص ۵۸.
- کتیرایی، محمود، "وجه نظر اعتمادالسلطنه نسبت به سیاست روس و انگلیس"، نگین، سال چهارم، شماره ۴۱.

- متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۱)، وزیر تاریخ نگار، تهران: دانشگاه فردوسی مشهد.
- نوری، مسعود، (۱۳۶۱)، میرزا رضای کرمانی، انتشارات نور.
- مجله یغما، (۱۳۳۹ ه ش)، شماره ۱۴۲.
- محدث، میرهاشم، (۱۳۹۱)، رسائل اعتمادالسلطنه، انتشارات اطلاعات، تهران .
- موسوی، سید صدرالدین مسعود درودی، (اول مرداد ۱۳۹۴)، ۱۳ مطالعات پسااستعماری: عرصه‌ای برای علوم انسانی بومی، راسخون
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، ۱۳۵۷ ش؛
- کتیرایی، محمود (۱۳۴۸)، تعلیقات بر خلسه اعتمادالسلطنه، تهران، ۱۳۴۸ ش؛
- ناظم‌الدوله، میرزاملکم‌خان، روزنامه قانون، ۱۳۰۷ ه.ق، نمرات: ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۲۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی